

نقش علوم انسانی در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه ایران

دکتر غلام‌حیدر ابراهیم‌بای سلامی*

چکیده

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نقطه تلاقی و تلفیق نظریه و عمل در علوم انسانی و اجتماعی است و هدف از چنین امری دستیابی به رفاه و توسعه جامعه است. در این نوشتار منظور از سیاست و برنامه‌ریزی تجلی اراده حکومت در عمل و مجموعه‌ای ساختاری و متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمالی است که به عنوان اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی عرضه می‌شوند.

هر نوع سیاست‌گذاری نیازمند توسل به علوم انسانی و اجتماعی است تا بتواند مبانی نظری، رویکردها و مفاهیمی را که جهت و هدف اصلی را مشخص می‌کند، ترسیم نماید. در جامعه ایران بعد از اضمحلال «اندیشه ایرانشهری» و افول «عصر زرین فرهنگ ایران» با آغاز دوره مشروطیت اندیشه تجدد و توسعه بر اثر مقتضیات زمان و تهدیدات جامعه غربی جلوه‌گر شد و با تشکیل و استقرار «دولت مدرن» سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به شیوه جدید رایج گشت. سیاست‌ها و برنامه‌های عمران و توسعه ایران از برنامه عمرانی هفت‌ساله اول (۱۳۲۷) قبل از انقلاب اسلامی تا برنامه چهارم توسعه بعد از انقلاب (۱۳۸۴) تابع مبانی و الگوهای نظری جوامع غربی بوده است و در قالب الگوهای نوسازی، ساختارگرایی، نیازهای اساسی، آزادسازی اقتصادی، نهادگرایی و خصوصی‌سازی، تدوین گشته و به اجرا درآمده‌اند. علوم انسانی بومی در این خصوص تا کنون نتوانسته است به «اجماع علمی» و حتی «اجتماع علمی» در مسئله‌شناسی، موضوع‌یابی و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها دست پیدا کند و از این رو به توجه جدی دولت و جامعه نیازمند است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، ایران، برنامه‌های توسعه، نهاد گرایی.

* . استادیار دانشگاه تهران گروه برنامه‌ریزی اجتماعی.